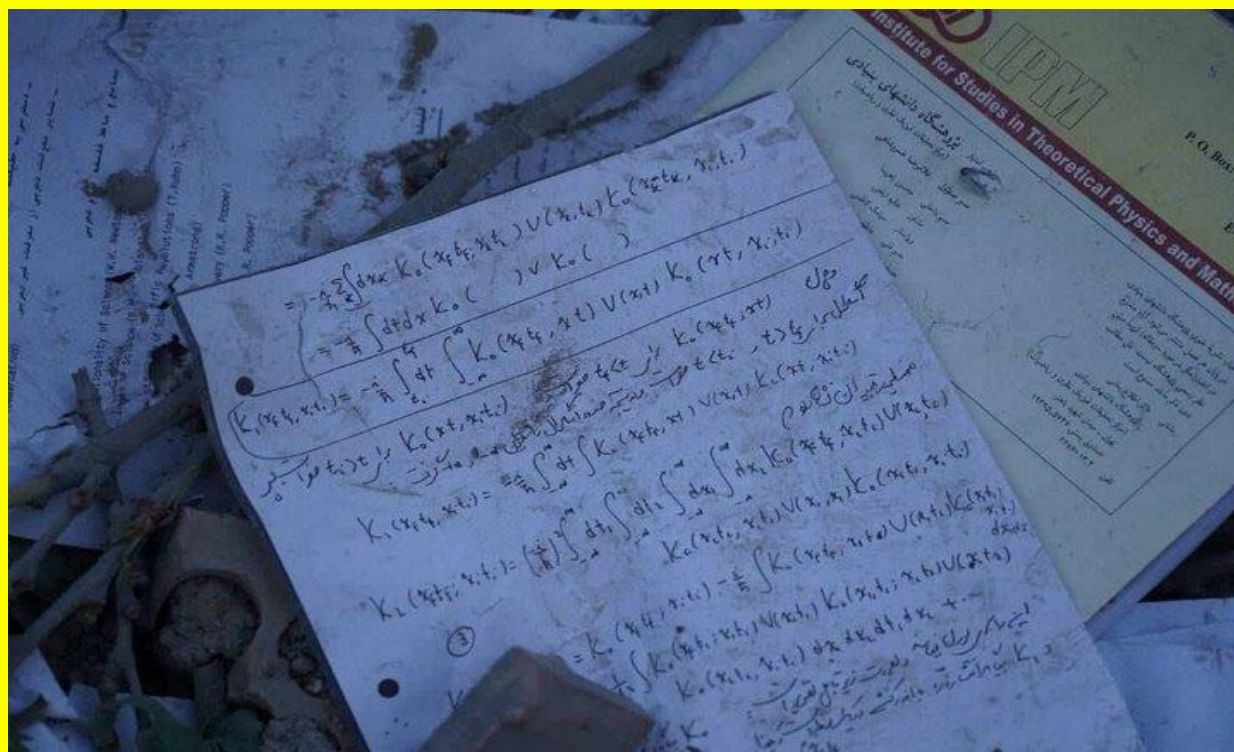




Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامی در ایران



جنایت ریشه کن سازی مراکز علمی : تخریب نظام مند زیست آکادمیک در مخاصمات مسلحانه معاصر

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۵

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

پس از آنکه در کوران مذاکرات سیاسی ایران و آمریکا، رژیم اشغالگر اسرائیل و سپس آمریکا در خرداد و تیرماه ۱۴۰۴ شمسی به ایران تجاوز کردند و بعد از ۱۲ روز دفاع ملی ایرانیان، متجاوزان ناچار به تقاضای آتش بس شده و علی الظاهر از جنگ و درگیری دوری گزیدند، شاید بسیاری این تصور را نداشتند که جنایتکاران چند ماه بعد قرار است مجدد برای بی ثباتی و نا امن سازی ایران طراحی گسترده ای را اجرایی کنند. اما متجاوزان بر خلاف این تصور عمل کردند و باز در حالی که مذاکرات سیاسی غیر مستقیم بین ایران و آمریکا جریان داشت و خود طرف آمریکایی ادعا می کرد که به توافق نزدیک شده اند، روند جدیدی از مداخله و بی ثبات سازی جامعه ایران را کلید زدند. این روند در اواخر پائیز ۱۴۰۴ و اوائل زمستان با اجرای برنامه های مداخله اقتصادی سنگین و سپس مشتعل کردن اعتراضات داخلی در ایران و دخالت های مختلف آشکار و پنهان برای توسعه تخریب ها و خشونت ها آغاز و پس از ناکامی در این برنامه گسترده براندازی، برای بار دوم در یکسال، در اسفند ۱۴۰۴ و نهمین روز ماه مبارک رمضان حمله نظامی گسترده مشترک را علیه ایران در پیش گرفتند. متجاوزان در همان لحظات نخست تجاوز گسترده نظامی، مدرسه ای در میناب را هدف قرار دادند و قریب به ۱۷۰ دانش آموز و معلم را پرپر کردند. هم چنین عالی ترین مقام ایران و بسیاری از مسئولان ایران را هدف قرار دادند تا بزعم خود همراه با ترس و ارباب سنگین ناشی از بیرحمی زیاد جامعه ایران را به زانو درآورده و سریعتر به اهداف نامشروع خود نائل آیند. اما این بار نیز ایرانیان با همه وجود از هویت ملی و سرزمینی و اعتقادی و انسانی خود دفاع کردند و متجاوزان را ناچار نمودند که در اواخر هفته ششم جنگ دست ها را بالا برده و با وساطت کشورهای مختلف از جمله پاکستان و قطر تقاضای آتش بس کنند و با پذیرش ایران، جنگ همه جانبه متوقف شود. دولت متجاوز ترامپ پس از آن حاضر به امضای تفاهم نامه ای با ایران در ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ شد تا در چارچوب آن روند برقراری صلح بین دو کشور و خارج شدن از حالت نه جنگ و نه صلح فراهم شود. اما باز هم ترامپ جنایتکار زیر توافق و دیپلماسی زد و در ۱۷ تیرماه به مناطقی در جنوب ایران حمله کرد و هم اینک روند حملات شبانه آمریکا به مناطق جنوبی کشور و پاسخ های قاطع ایران به پایگاهها و منافع آمریکا در منطقه ادامه دارد. احتمالاً ترامپ جنایتکار به زودی باز کشورهای مختلف را واسطه خواهد کرد تا راه گریزی برای خود بیابد اگرچه در پیام های منتشره در شبکه های اجتماعی، مرتب دروغ گویی و رجز خوانی و حرف های مضحک را ادامه داده و خواهد داد.

فارغ از اینکه روند درگیری های کنونی پس از تفاهم نامه مکتوب چند روز طول بکشد، اگر به چند ماه گذشته از نهم اسفند ۱۴۰۴ تا اواخر تیرماه ۱۴۰۵ نگاهی بیندازیم و میزان رعایت حقوق جنگ را از سوی متجاوزان رو سیاه ارزیابی کنیم، نکات دردناک و تکان دهنده را فراوی خود می بینیم که در مواردی حتی روی هیتلر یا جبهه مقابل

وی یعنی متفکین را به خاطر عملکردهای غیر انسانی در جریان جنگ جهانی دوم، سفید می کند و بالاتر از آنها قرار می گیرد.

یکی از ابعاد جنایات گسترده آمریکا و اسرائیل در حملات ۴۰ روزه جنگ رمضان، هدف قرار دادن گسترده مراکز علمی و فکری ایران در استان های مختلف کشور بود. در این حوزه علاوه بر ورود خسارات به قریب به ۱۳۰۰ مرکز آموزشی در سطح آموزش و پرورش، بیش از سی و دو مرکز علمی و دانشگاهی برجسته ایران در جریان تجاوز رمضان مورد هدف قرار گرفت. در این حملات هدفمند کاملاً سعی می شد مراکزی هدف قرار گیرند که در لبه علم و پیشرفت حرکت کرده و نقش پیشران را در گسترش فکر و فرهنگ و توسعه در سطح ملی و فراملی بر عهده داشته اند. این جنایات به موازات حملات به مراکز میراث فرهنگی و تمدنی ایران، کتابخانه ها در سراسر کشور، ترور دانشمندان و اساتید شناخته شده همراه با خانواده های آنان جریان پیدا کرد تا نشان دهد که دشمنان ایران به صورت هدفمند تلاش دارند تا بنیان های علم و دانش و توسعه را در ایران بخشکانند. اسرائیل و حامیانش به ویژه آمریکا مشابه این خباثت ها و البته در سطح محدود منابع موجود در غزه را در دو سال گذشته علیه ملت فلسطین نیز مرتکب شده بودند. وقتی در غزه جنایتکاران صهیونیست و حامیانشان به صورت هدفمند ریشه کن سازی مراکز علمی و فکری و فرهنگی را اجرایی کردند، جمعی از گزارشگران تابعه شورای حقوق بشر سازمان ملل از حیث واژه سازی جدید، ابتکاری به خرج دادند و در آوریل ۲۰۲۴ با صدور بیانیه ای نسبت به ریشه کن سازی مراکز آکادمیک در غزه و کشتن اساتید و دانشجویان و نیروهای مراکز فکری ابراز تاسف شدید کردند. آنها بر سیاق واژه ژنوساید (Genocide) که در زبان فارسی، نسل زدایی یا نسل کشی یا ریشه کن سازی نسل انسان ها شناخته میشود و یکی از جرایم بین المللی برجسته است و هم چنین بر سیاق واژه اکوساید (Ecocide) که به معنای نابود سازی زیست بوم حیات و محیط زیست همه موجودات شناخته می شود و چندین سال است که تلاشگران حوزه محیط زیست این عنوان را مطرح و خواهان شناسایی رسمی آن به عنوان یک جنایت بین المللی هستند تا مرتکبین وقوع این جنایت در معرض پاسخگویی قرار گیرند، تلاش هدفمند برای ریشه کن سازی علم و فرهنگ و مراکز دانش یک جامعه را نیز یک جنایت بین المللی همسطح با این موارد دانسته و واژه اسکولاستیساید (Scholasticide) به معنای جنایت ریشه کن سازی مراکز علمی و فکری و معرفتی را مطرح کردند. این ابتکار بدان معنا بود که علاوه بر توجه جامعه بین المللی به وقایع دردناک غزه و جنایات صهیونیست ها، برای تثبیت این عنوان جنایت بین المللی تلاش های لازم صورت گیرد و در آینده این مقوله در حقوق بین الملل موضوعه جای خود را بنحو شایسته باز کند. نوشتار حاضر که امور پژوهشی کمیسیون ترجمه آنرا مورد توجه قرار داد اثر یک استاد حقوق بین الملل ایرانی است که آن سوی مرزها به زبان انگلیسی در یک نشریه تخصصی دیجیتال حقوق بین الملل به تازگی نشر یافته است.

۱. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2024/04/un-experts-deeply-concerned-over-scholasticide-gaza>

نویسنده محترم از همان اصطلاح مطرح شده از سوی گزارشگران شورای حقوق بشر بهره گرفته و فراتر از غزه آنرا با جنگ های معاصر از جمله جنایات ارتكابی علیه ایران تطبیق داده و محتوای دردناك آنرا برجسته ساخته است. پیام این نوشتار روشن است: باید برای جرم انگاری این عنوان جنایت بین المللی، همه فعالان در جامعه جهانی اعم از دولتی یا غیر دولتی تلاش موثری را معمول دارند چرا که اگر قرار باشد این جنایت، براحتی امکان استمرار داشته باشد در واقع میراث مشترک بشریت در معرض صدمه غیر قابل جبران قرار خواهد گرفت. به علاوه، باید عوامل این جنایت، برابر همین موازین موجود بین المللی در معرض پاسخگویی جدی قرار گیرند و نهایتاً ملتی که هدف این جنایات واقع شده، باید حساسیت و شناخت لازم را نسبت به نوع عملکرد دشمنانش پیدا کند و از حریم علم و فرهنگ و معرفت خود بنحو شایسته صیانت و ترمیم و نوسازی مناسب را در سریعترین زمان ممکن اجرایی نماید.

امور پژوهشی کمیسیون در روند نهایی سازی متن حاضر، برخی معادل های انگلیسی کلمات یا اصطلاحات مهم را در زیر نویس متن درج نمود. هم چنین برخی توضیحات در زیر نویس افزوده شد و داخل متن نیز اگر کلمه ای برای فهم دقیق تر متن مازاد بر اصل نوشتار افزوده شد، داخل براکت [] قرار گرفت که مشخص باشد. منابع ارجاعی نویسنده نیز عیناً در زیرنویس ها حفظ شده است.

امید است انعکاس این نوشتار به زبان فارسی موجبات ارتقای آگاهی های مخاطبان فارسی زبان را در این مقوله مهم فراهم سازد و همه درك بهتری از واقعیات جامعه جهانی و مناسبات قدرت و حقوق بدست آوریم و انگیزه بیشتری پیدا کنیم که برای دفاع از حقوق ملی خویش و حقوق عموم انسان ها کنشگری موثری مبذول داشته و از هر تلاش مثبتی در این راستا دریغ نورزیم .

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تیرماه ۱۴۰۵

- ♦ نویسنده: دکتر هیبت الله نژندی منش، عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
- ♦ مجری روند برگردان انگلیسی به فارسی: علی تقی نوه سی، دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
- ♦ ویرایش و نهایی سازی متن: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، تیرماه ۱۴۰۵
- ♦ مآخذ: سامانه نشریه حقوقی بین المللی اُپینیو جوریس (Opiniojuris.org)، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶
- ♦ شناسه متن: ۰۵/۲/۲۰۳

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش ها استقبال می کند. مشارکت در فعالیت های عام المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

شرح عکس روی جلد گزارش: دست نوشته های استاد دکتر مهدی گلشنی فیزیک دان شناخته شده ایرانی که در حملات آمریکا-اسرائیل به دانشگاه شریف دفتر ایشان مورد حمله قرار گرفت. (نقل از خبرگزاری مهر، ۱۸ فروردین ۱۴۰۵)

جنایت ریشه کن سازی مراکز علمی: تخریب نظام مند زیست آکادمیک در مخاصمات مسلحانه معاصر

نوشته هیبت‌الله نژندی منش، دانشیار حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(نشر در مورخ بیست و ششم ژوئن ۲۰۲۶ برابر با پنجم تیرماه ۱۴۰۵ شمسی)

مخاصمات مسلحانه معاصر به طور فزاینده ای نه تنها غیرنظامیان و زیرساخت های غیرنظامی، بلکه بنیادهای نهادی^۴ را که جوامع از طریق آنها دانش را حفظ، تولید و منتقل می کنند، هدف قرار می دهند. تخریب مراکز آموزشی در طول جنگ پدیدۀ جدیدی نیست. از آتش سوزی کتابخانه باستانی اسکندریه گرفته تا ویرانی مؤسسات علمی بغداد در جریان غارت مغول ها در سال ۱۲۵۸ میلادی^۵ و تخریب کتابخانه ها، مساجد و مراکز آموزشی در سراسر ایران در جریان تهاجم مغول ها^۶ و نابودی دانشگاه ها و کتابخانه های اروپایی^۷ در جریان جنگ جهانی دوم، مخاصمات مسلحانه بارها میراث فکری و فرهنگی بشریت را به خطر انداخته است. دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی در برلین،

۲. Scholasticide

این معادل فارسی شاید برای اولین بار در ادبیات تخصصی زبان فارسی مطرح می شود تا برابر سیاق سایر جنایت های مشابه بین المللی، هم معنا را منتقل کند و هم آهنگ بیانی مشابه آنها داشته باشد. معادل دیگر مطرح شده در امور پژوهشی کمیسیون «جنایت بنیان زدایی از مراکز علمی و معرفتی» بود که البته در متن حاضر معادل اول بکار رفت. (توضیح افزوده بر متن)

۳. Academic Life

واژه آکادمیک در زبان انگلیسی اگرچه شامل امور دانشگاهی می شود اما برابر آن نیست و معنایی فراتر از آن دارد به همین جهت ترجیح داده شد که عین خود این واژه در تلفظ فارسی ذکر و مهم ترین بخش در برگرنده آن یعنی مراکز دانشگاهی نیز جلوی آن قرار گیرد تا فهم قلمرو معنایی آن دقیق تر صورت گیرد. در ادامه متن، برخی کلمات دیگر نیز دو معادل فارسی برای آن ذکر شده که حکایت از همین ابعاد زبانی دارد. (توضیح افزوده بر متن)

^۴. The institutional foundations

^۵. <https://www.britannica.com/topic/Library-of-Alexandria/The-fate-of-the-Library-of-Alexandria>

^۶. <https://aljamiah.or.id/index.php/AJIS/article/download/56107/357>

^۷. <https://iisj.in/index.php/iisj/article/download/500/378/1494#:~:text=The%20Mongol%20invasion,%20led%20to%20the%20destruction%20of%20many%20scientific,Iran%20for%20a%20long%20time.>

^۸. <https://www.cambridge.org/core/blog/2023/06/06/strongworld-war-in-the-library-strongstronghow-the-burning-of-the-leuven-library-in-the-first-world-war-continues-to-resonate-today-strong/>

لایبزیگ، فرایبورگ و جاهای دیگر در جریان بمباران های هوایی در جنگ جهانی دوم متحمل تخریب گسترده ای شدند؛ در حالی که بایگانی ها، نسخه های خطی، آزمایشگاه ها و مجموعه های موزه ای بی شماری برای همیشه از بین رفتند.

مخاصمات جدیدتر نیز این الگو را ادامه داده اند: دانشگاه ها و کتابخانه ها در طول جنگ های بوسنی،^{۱۱} عراق،^{۱۲} سوریه،^{۱۳} سودان،^{۱۴} غزه،^{۱۵} اوکراین،^{۱۶} لبنان،^{۱۷} یمن^{۱۸} و ایران^{۱۹} هدف قرار گرفته یا ویران شده اند که نشان می دهد نظام های تولید دانش در طول مخاصمات به شدت آسیب پذیر هستند.

در مخاصمات معاصر، دانشگاه ها، آزمایشگاه ها، کتابخانه ها، مؤسسات تحقیقاتی و جوامع علمی به مکان های مکرر تخریب در جریان درگیری از غزه و سودان گرفته تا اوکراین و اخیراً ایران تبدیل شده اند. در مخاصمات اخیر با ایران،^{۲۰} گزارش ها حاکی از خسارات گسترده به دانشگاه ها و مراکز تحقیقات علمی، در کنار مرگ دانشجویان، اساتید و محققان است. مقامات ایرانی^{۲۱} اظهار داشتند که بیش از سی دانشگاه و صدها مدرسه در طول این درگیری آسیب دیده اند، در حالی که بنا به گزارش ها، مؤسسات علمی بزرگ، از جمله آزمایشگاه های مهندسی، تأسیسات زیست پزشکی و مراکز محاسبات با کارایی بالا، مورد اصابت [حملات آمریکا و اسرائیل] قرار گرفته اند.

حقوق بین الملل بشردوستانه (IHL)^{۲۲} از دانشگاه ها به عنوان اشیاء / اهداف غیرنظامی و دانشجویان، اساتید و محققان به عنوان غیرنظامی محافظت می کند، مگر اینکه و برای مدتی که مستقیماً در خصومت ها شرکت کنند. با

^۹. <https://ndl.ethernet.edu.et/bitstream/123456789/10683/1/30.pdf>

^{۱۰}. <https://lithub.com/what-the-deliberate-targeting-of-libraries-reveals-about-the-nature-of-war/#:~:text=In%20total%2C%20195%20libraries%20and,Jewish%20books%20by%20Nazi%20Germany.>

^{۱۱}. https://www.gicj.org/iraq_conference_speeches/Dirk_Adriaensens_Presentation.pdf

^{۱۲}. <https://www.cam.ac.uk/research/news/syrian-higher-education-system-facing-complete-breakdown-after-eight-years-of-war-study>

^{۱۳}. <https://sudanhorizon.com/official-source-over-100-university-libraries-and-laboratories-destroyed/>

^{۱۴}. <https://www.aljazeera.com/news/2024/1/24/how-israel-has-destroyed-gazas-schools-and-universities>

^{۱۵}. <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/hequ.70113>

^{۱۶}. <https://www.juancole.com/2026/05/protesting-students-colleges.html>

^{۱۷}. <https://al-fanarmedia.org/2020/11/attacks-yemeni-higher-education-free-to-think-report/>

^{۱۸}. <https://www.nature.com/articles/d41586-026-01394-y>

^{۱۹}. <https://www.aljazeera.com/news/2026/4/4/universities-hit-as-us-israel-ramp-up-attacks-on-irans-infrastructure>

^{۲۰}. <https://www.aljazeera.com/news/2026/4/7/how-us-israel-are-waging-a-war-on-iranian-culture-education>

^{۲۱}. https://www.icrc.org/sites/default/files/document/file_list/en_-_handbook_humanitarian_law_-_web.pdf

این حال، الگوهای معاصر خشونت، محدودیت مفهومی را آشکار می کنند، زیرا حقوق بین الملل تمایل دارد حملات به مؤسسات آموزشی را به عنوان وقایع منفرد/منفک از یکدیگر^{۲۲} ارزیابی کند، نه به عنوان بخشی از الگوهای گسترده تری که ممکن است زیست آکادمیک/ دانشگاهی را به عنوان یک نظام اجتماعی و نهادی از هم بپاشد. این نوشتار استدلال می کند که چنین الگوهای متراکمی^{۲۳} را می توان از طریق مفهوم «اسکولاستیساید/ جنایت ریشه کن سازی مراکز علمی» درک کرد: تخریب نظام مند یا ناتوان سازی پایدار مؤسسات آکادمیک/دانشگاهی، جوامع علمی و زیرساخت های معرفتی لازم برای تولید و انتقال دانش در طول مخاصمه مسلحانه.

بحث این نیست که «اسکولاستیساید» یک جنایت رسماً مدون^{۲۴} است، بلکه این است که [عنوان مذکور] یک طیف در حال ظهور از «آسیب جمعی»^{۲۵} را مشخص می کند که به طور کافی توسط چارچوب های موجود حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق کیفری بین المللی تبیین نشده است.

منطق واقعه-محور حقوق بین الملل بشردوستانه موجود

حقوق بین الملل بشردوستانه موجود، حمایت های قابل توجهی را برای مؤسسات آموزشی و نیروهای آکادمیک/ دانشگاهی فراهم می کند. طبق ماده ۵۲ پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون های ژنو،^{۲۶} اشیاء غیر نظامی «نباید هدف حمله قرار گیرند». بنابراین، دانشگاه ها و مؤسسات تحقیقاتی از حمایت غیرنظامی برخوردارند، مگر اینکه به اهداف نظامی قانونی تبدیل شوند. ماده ۴۸ [لزوم رعایت] اصل «نفکیک»^{۲۷} را مدون ساخته، در حالی که مواد ۵۱ و ۵۷^{۲۸} [لزوم رعایت] قواعد «تناسب و احتیاط» در حمله را تثبیت کرده است. اساسنامه رم دیوان کیفری بین المللی،^{۲۹} هدایت عمدی حملات علیه اشیاء/ اهداف غیرنظامی و انجام حملات نامتناسب که باعث آسیب بیش از حد به غیرنظامیان می شود را جرم انگاری می کند. [رعایت] این قواعد همواره الزامی هستند، اما عمدتاً از طریق یک

^{۲۲} Isolated incidents

^{۲۳} Cumulative patterns

^{۲۴} Formally codified crime

^{۲۵} Collective harm

^{۲۶} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-52>

^{۲۷} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-48?activeTab=>

^{۲۸} <https://www.icc-cpi.int/publications/core-legal-texts/rome-statute-international-criminal-court>

^{۲۹} <https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977/article-57?activeTab=>

^{۳۰} <https://www.icc-cpi.int/publications/core-legal-texts/rome-statute-international-criminal-court>

چارچوب واقعه-محور که حملات را به صورت جداگانه ارزیابی می نماید، عمل می کنند. در نتیجه، حقوق بین الملل بشردوستانه ممکن است به طور کامل موقعیت هایی را که در آنها حملات چندگانه به طور جمعی تداوم کل یک نظام آکادمیک/ دانشگاهی را مضمحل می کنند، در بر نگیرد.

این محدودیت به طور فزاینده ای در مخاصمات اخیر قابل مشاهده است. در غزه، کارشناسان سازمان ملل متحد تخریب گسترده مؤسسات آموزشی و کشتن عناصر آکادمیک را «اسکولاستیساید» توصیف و به همراه گزارش های مربوط به آسیب ها یا تخریب های هر دانشگاه و تلفات قابل توجه دانشجویان، اساتید و مجریان منتشر کردند. نگرانی های مشابهی در مورد حملات به دانشگاه ها و مؤسسات علمی در ایران مطرح شده است، جایی که بنا به گزارش ها، تأسیسات تحقیقاتی پیشرفته و مراکز مهندسی هدف قرار گرفته اند. در اوکراین و سودان، حملات مکرر، آموزش عالی را مختل و جوامع دانشگاهی را از هم گسیخته است. در حالی که چنین حوادثی ممکن است به صورت جداگانه نقض حقوق بین الملل بشردوستانه یا جنایات جنگی محسوب شوند، اما در مجموع می توانند نشان دهنده ای از بین رفتن تدریجی شرایط نهادی لازم برای تداوم فکری/ خردورزی^{۳۱} باشند.

دانشگاه ها به عنوان زیرساخت های معرفتی^{۳۲}

حقوق بین الملل به درستی با دانشگاه ها به عنوان اشیاء غیرنظامی رفتار می کند، چرا که آنها چیزی بیش از ساختارهای فیزیکی هستند. به عنوان زیرساخت های معرفتی، آنها دانش علمی تولید می کنند، حافظه تاریخی^{۳۳} را حفظ می کنند، تخصص را پرورش می دهند و تداوم فکری را در طول نسل ها حفظ می کنند. سهم آنها فراتر از مرزهای ملی است و از توسعه، سلامت عمومی، نوآوری های فناوری، حفاظت از محیط زیست و رفاه انسان حمایت می کنند. در نتیجه، تخریب آنها باعث آسیب هایی می شود که بسیار فراتر از خسارات مادی است. از دست دادن اساتید، محققان، آزمایشگاه ها، بایگانی ها، کتابخانه ها و مراکز تحقیقاتی، تخصص، حافظه نهادی، پیشرفت علمی و تداوم فرهنگی^{۳۴} را مختل می کند و پیامد های بلند مدت و بالقوه برگشت ناپذیری را برای جوامع و پایگاه دانش مشترک بشریت ایجاد می کند. این بُعد گسترده تر آسیب را می توان از طریق ادبیات مربوط به بی عدالتی معرفتی^{۳۵} و خشونت معرفتی^{۳۶} نیز درک کرد. این مفاهیم نشان می دهند که چگونه آسیب نه تنها از طریق تخریب فیزیکی،

^{۳۱} Intellectual continuity

^{۳۲} Epistemic Infrastructure

^{۳۳} Historical memory

^{۳۴} Cultural continuity

^{۳۵} <https://academic.oup.com/book/32817>

^{۳۶} <https://link.springer.com/article/10.1057/s41312-021-00086-1>

بلکه از طریق رویه هایی که تولید، حفظ و انتقال دانش را مضمحل می کنند، ممکن است رخ دهد. اگرچه این مفاهیم در درجه اول در زمینه های استعمار^{۳۷} و نابرابری ساختاری^{۳۸} توسعه یافته اند، اما آنها دریچه ی مفیدی برای درک این موضوع فراهم می کنند که چگونه حملات به دانشگاه ها نه تنها خسارات مادی، بلکه آسیب های معرفتی^{۳۹} را نیز با مختل کردن شرایط نهادی لازم برای خلق دانش و تداوم^{۴۰} آن ایجاد می کنند.

حملات اخیر به دانشگاه های ایران،^{۴۱} این بُعد وسیع تر از آسیب را نشان می دهد. گزارش ها حاکی از آن است که حملات [آمریکا و اسرائیل] به مراکز محاسبات با کارایی بالا، آزمایشگاه های پلاسما و لیزر، مؤسسات تحقیقات زیست پزشکی و تأسیسات مهندسی مرتبط با برخی از دانشگاه های برجسته ایران آسیب رسانده است. حتی مؤسساتی که مستقیماً مورد حمله قرار نگرفته اند، بنا به گزارش ها، به دلیل تعطیلی دانشگاه ها، قطعی اینترنت و وقفه در آموزش های تحصیلات تکمیلی و دسترسی به آزمایشگاه، با اختلال شدید تحقیقاتی مواجه شده اند. دانشمندان نسبت به از دست دادن احتمالی نمونه های غیرقابل جایگزین و داده های تحقیقاتی هشدار داده اند. هیچ مدرک/ شواهد عمومی^{۴۲} در دسترس نیست که نشان دهد دانشگاه های آسیب دیده مستقیماً در خصوصیت ها درگیر بوده اند و بنابراین، علیرغم روایت های سیاسی یا راهبردی گسترده تر، وضعیت غیرنظامی مفروض خود را طبق حقوق بین الملل بشردوستانه حفظ کرده اند.

چنین تحولاتی نشان می دهد که جنگ معاصر به طور فزاینده ای نه تنها بر جمعیت غیرنظامی،^{۴۳} بلکه بر زیست بوم های نهادی^{۴۴} که از طریق آنها جوامع تخصص را بازتولید کرده و ظرفیت بازیابی پس از جنگ را حفظ می کنند، نیز تأثیر می گذارد. آنچه در معرض خطر است، صرفاً دسترسی به آموزش نیست، بلکه تداوم خود تولید دانش نیز هست. تخریب نظام های آکادمیک/ دانشگاهی را نمی توان به خسارت های مالی معمولی تقلیل داد، زیرا دانشگاه ها مجموعه ای از روابط فکری، حافظه نهادی، همکاری علمی و انتقال بین نسلی هستند. تخریب آنها بر ظرفیت آینده

^{۳۷} <https://global.oup.com/academic/series/arts-and-humanities/history/colonialism-and-imperialism/?cc=ir&lang=en&>

^{۳۸} <https://www.cambridge.org/core/books/abs/worlds-within-worlds/structural-inequality/1E76BF061DD25071D02377BC27698200>

^{۳۹} Epistemic harm

^{۴۰} https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-540-24746-3_18

^{۴۱} <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0890856709658743?via%3Dihub>

^{۴۲} <https://edition.cnn.com/2026/03/31/middleeast/iran-university-campus-attacks-intl>

^{۴۳} Publicly available evidence

^{۴۴} <https://international-review.icrc.org/articles/reports-and-documents-ihl-and-the-challenges-of-contemporary-armed-conflicts-927>

^{۴۵} The institutional ecosystems

جوامع برای حکومت، نوآوری، درمان، آموزش و بازسازی خود پس از جنگ تأثیر می گذارد. علاوه بر این، دستاورد های علمی و پژوهشی تولید شده در دانشگاه ها نه تنها دارایی های ملی، بلکه بخشی از میراث فکری مشترک بشریت^{۴۶} هستند. اکتشافات علمی، تحقیقات پزشکی، بایگانی های فرهنگی و دانش انباشته شده^{۴۷} به نفع کل بشریت است. بنابراین، حمله به دانشگاه ها و مراکز آموزشی ممکن است نه تنها به کشورهای خاص یا جمعیت ها، بلکه به میراث مشترک و منابع معرفتی جمعی بشریت^{۴۸} نیز آسیب برساند.

به سوی مفهوم اسکولاستیساید

مفهوم «اسکولاستیساید» در پی آن است که این شکل انباشتی و نظام مند تخریب^{۴۹} را بازتاب دهد. این مفهوم همچنین از مباحث مربوط به بی عدالتی معرفتی^{۵۰} و خشونت معرفتی^{۵۱} بهره می برد. در حالی که این چارچوب ها بر «به حاشیه راندن^{۵۲} یا سرکوب دانش و دانایان^{۵۳} تمرکز دارند، «اسکولاستیساید» تخریب زیرساخت های نهادی را برجسته می کند که تولید دانش جمعی را ممکن می سازند. بنابراین، می توان آن را به عنوان شکلی «خاص از خشونت معرفتی» معطوف به مخاصمه علیه دانشگاه ها، مراکز تحقیقاتی، کتابخانه ها، بایگانی ها و جوامع علمی درک کرد. «اسکولاستیساید» هم چنین ممکن است به عنوان تخریب نظام مند یا ناتوان سازی پایدار نهاد های دانشگاهی، جوامع علمی و زیرساخت های تولید دانش در طول مخاصمات مسلحانه فهم شود.

نکته مهم این است که در حال حاضر نباید «اسکولاستیساید» را به عنوان یک جرم مستقل و متمایز تحت حقوق بین المللی موضوعه^{۵۴} درک کرد. حقوق معاهداتی موجود آن را به این عنوان به رسمیت نمی شناسد. همچنین این مفهوم جایگزین طبقه بندی حقوقی موجود مانند جنایات جنگی^{۵۵}، جنایات علیه بشریت^{۵۶} [از جمله] آزار و اذیت^{۵۷}

^{۴۶} The shared intellectual heritage of humankind

^{۴۷} Accumulated knowledge

^{۴۸} The common heritage and collective epistemic resources of humanity

^{۴۹} Cumulative and systemic form of destruction

^{۵۰} Epistemic injustice

^{۵۱} Epistemic violence

^{۵۲} <https://academic.oup.com/edited-volume/61768/chapter-abstract/553522291?redirectedFrom=fulltext>

^{۵۳} <https://blogs.helsinki.fi/sade-hormio/2019/06/05/suppression-of-knowledge/#:~:text=Withholding%20some%20important%20information%2C%20or,and%20other%20large%20modern%20organisations.>

^{۵۴} positive international law

^{۵۵} <https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl/v1/rule156>

^{۵۶} https://legal.un.org/ilc/guide/7_7.shtml

و یا نسل کشی^۸ می شود. بلکه، «اسکولاستیساید» محدودیت های ارزیابی حملات به نظام های آموزشی منحصرأ از طریق وقایع منفرد/منفک از یکدیگر تلفات غیرنظامیان یا تخریب اموال را برجسته می کند. این مفهوم به ویژه مفید است زیرا نوعی آسیب جمعی را شناسایی می کند که نه تنها علیه امکانات آموزشی، بلکه علیه تداوم معرفتی خود جامعه هدایت می شود. مخاصمات معاصر به طور فزاینده ای حملات به نظام های اطلاعات، حافظه فرهنگی، نهاد های علمی و استقلال فکری را در بر می گیرد. دانشگاه ها دقیقاً به این دلیل که به عنوان مکان هایی برای تحقیق مستقل و تفکر انتقادی عمل می کنند، موقعیت آسیب پذیر منحصر به فردی در این چشم انداز دارند.

حقوق کیفری بین المللی موجود تا حدودی جنبه هایی از این پدیده را به رسمیت می شناسد. حمله به دانشگاه ها ممکن است در مواردی که مؤسسات آموزشی غیرنظامی عمداً هدف قرار گیرند، جنایات جنگی^۹ محسوب شود. حملات گسترده یا نظام مند علیه جوامع دانشگاهی نیز ممکن است در زمره جنایات موجود علیه بشریت،^{۱۰} از جمله آزار و اذیت، قرار گیرد. رویه قضایی کیفری بین المللی^{۱۱} مدت هاست اذعان کرده است که تخریب مؤسسات آموزشی و فرهنگی ممکن است مدرکی دال بر نیت تبعیض آمیز [به عنوان یکی از عناصر تحقق عنوان مجرمانه آزار و اذیت (prosecution)]^{۱۲} به عنوان یکی از مصادیق ارتکاب جنایت علیه بشریت [یا نسل کشی] باشد. به عنوان مثال، دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی^{۱۳} سابق اذعان کرد که تخریب مؤسسات اختصاص داده شده به آموزش و فرهنگ می تواند در صورت انجام با نیت تبعیض آمیز، آزار و اذیت محسوب شود. با این حال، این طبقه بندی ها [از جرایم بین المللی] عمدتاً اقدامات اساسی مشخص [علیه مؤسسات علمی] را مورد توجه قرار می دهند تا تخریب گسترده تر زیست بوم های دانشگاهی. اسکولاستیساید به دنبال مفهوم سازی این پدیده گسترده تر است و

^۸ <https://law.stanford.edu/publications/queering-the-crime-of-persecution/>

^۹ <https://www.un.org/en/genocide-prevention/definition>

^۹ <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/israeli-attacks-educational-religious-and-cultural-sites-occupied>

^{۱۰} <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2025/06/israeli-attacks-educational-religious-and-cultural-sites-occupied>

^{۱۱} <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/itemsDocuments/20210614-otp-policy-cultural-heritage-eng.pdf>

^{۱۲} . برابر مستندات منتشره دادگاه رسیدگی به جرایم ارتكابی در یوگسلاوی سابق اعلام شده است که سه شرط اساسی در شعبه دادرسی تادیب برای جرم آزار و اذیت مورد تاکید قرار گرفته: (۱) وقوع یک فعل یا ترک فعل تبعیض آمیز؛ (۲) مبنای تبعیض آمیز برای آن فعل یا ترک فعل بر اساس یکی از دلایل ذکر شده، به ویژه نژاد، مذهب یا سیاست؛ و (۳) قصد ایجاد و در نتیجه نقض بهره مندی فرد از یک حق اساسی یا بنیادین (توضیح افزوده بر متن)

^{۱۳} <https://www.icc-cpi.int/sites/default/files/itemsDocuments/20210614-otp-policy-cultural-heritage-eng.pdf>

نه صرفاً بر [سنجش] قانونی بودن [یا قانونی نبودن] حملات فردی، بلکه بر نابودی فزاینده‌ی ظرفیت نهادی که جوامع از طریق آن دانش را در طول نسل‌ها تولید و حفظ می‌کنند، تمرکز کند. این تمایز به ویژه در مواردی که ادعا می‌شود دانشگاه‌ها دارای کارکردهای دوگانه یا مرتبط با امور نظامی هستند، اهمیت می‌یابد.

برخی از تأسیسات^{۶۴} ممکن است طبق حقوق بین الملل بشردوستانه به اهداف نظامی قانونی تبدیل شوند. با این حال، حتی در مواردی که حملات [نظامی] خاص الزامات سنتی [رعایت اصول] تفکیک و تناسب^{۶۵} را برآورده می‌کنند، حقوق بین الملل هنوز فاقد چارچوبی منسجم برای ارزیابی تخریب متراکم نظام‌های علمی و دانشگاهی ملی است.

تخریب زیست آکادمیک / دانشگاهی به مثابه آسیب جمعی

ارزش «اسکولاستیسیاد» کمتر در تدوین آن نهفته است تا در فایده‌ی تبیینی و هنجاری آن، زیرا آسیب‌های متراکم و بین نسلی را که اغلب در تحلیل حقوقی مورد توجه قرار نمی‌گیرند، برجسته می‌کند. در حالی که حقوق بین الملل بشردوستانه^{۶۶} به طور سنتی بر آسیب‌های فوری غیرنظامیان مانند مرگ، جراحات و تخریب فیزیکی تمرکز دارد، تخریب نظام‌های آکادمیک / دانشگاهی می‌تواند عواقب بلند مدتی برای مراقبت‌های بهداشتی، حکومتداری، توسعه علمی، بهبود اقتصادی و تداوم فرهنگی داشته باشد. جوامعی که از دل جنگ و درگیری بیرون می‌آیند برای بازسازی و ثبات به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی وابسته اند. مخاصمات اخیر این اثرات را نشان می‌دهند: در ایران^{۶۷} گزارش‌ها حاکی از تخریب تأسیسات دانشگاهی، مرگ دانشجویان و نیروهای دانشگاهی و اختلال در تداوم آموزشی است؛ در غزه^{۶۸} دانشگاه‌ها عملاً ناتوان شده اند. این الگوها نشان می‌دهند که جنگ‌های معاصر به طور فزاینده‌ای شرایط نهادی بقای فکری را هدف قرار می‌دهند و حفاظت از غیرنظامیان را از حفاظت از زیرساخت‌های دانش، تخصص و تداوم فرهنگی جدایی‌ناپذیر می‌کنند.

^{۶۴} <https://yalelawjournal.org/index.php/article/the-dangerous-rise-of-dual-use-objects-in-war>

^{۶۵} Distinction and proportionality

^{۶۶} https://www.icrc.org/sites/default/files/document/file_list/what_is_ihl.pdf

^{۶۷} <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2026/03/usa-iran-those-responsible-for-deadly-and-unlawful-us-strike-on-school-that-killed-over-100-children-must-be-held-accountable/>

^{۶۸} https://www.educ.cam.ac.uk/centres/real/publications/Palestinian_education_under_attack_in_Gaza.pdf

نتیجه گیری

حقوق بین الملل بشردوستانه مدت هاست که حمله به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی، از جمله دانشگاه ها، مدارس، کتابخانه ها و مؤسسات تحقیقاتی را ممنوع کرده است. با این حال، مخاصمات مسلحانه معاصر به طور فزاینده ای شکل عمیق تر و متراکم تری از آسیب را آشکار می کنند: نه صرفاً تخریب ساختمان ها یا از دست رفتن تصادفی جان غیرنظامیان، بلکه ریشه کن سازی تدریجی زیست بوم های نهادی که جوامع از طریق آنها دانش را در طول نسل ها ایجاد، حفظ و منتقل می کنند. مفهوم «اسکولاستیساید» در پی آن است که این پدیده گسترده تر [از خسارات جانی و مالی شناخته شده] را در بر بگیرد. این مفهوم الگوهای خشونت علیه مؤسسات آکادمیک/ دانشگاهی، جوامع علمی، زیرساخت های دانشی و خود تداوم فکری را توصیف می کند. چنین آسیبی را نمی توان به طور کامل از طریق زبان متعارف آسیب به اموال جداگانه یا تلفات غیرنظامیان به تنهایی درک کرد. تخریب دانشگاه ها مستلزم تخریب مسیرهای تحقیقاتی، ساختارهای مربیگری،^{۶۹} حافظه [اطلاعات] بایگانی شده،^{۷۰} همکاری علمی، بازتولید حرفه ای و ظرفیت های توسعه بلند مدت جوامع است. در بسیاری از موارد، عواقب کامل چنین ویرانی هایی تنها سال ها یا دهه ها پس از پایان رسمی مخاصمه آشکار می شود.

سوابق تاریخی نشان می دهد که حملات به مراکز آموزشی بارها با پروژه های سلطه، دگرگونی ایدئولوژیک، محو فرهنگی و انقیاد سیاسی^{۷۱} همراه بوده است. از تخریب کتابخانه ها و دانشگاه ها در جنگ های امپریالیستی اولیه و مدرن گرفته تا حملات معاصر به مؤسسات آکادمیک/ دانشگاهی در غزه، سودان، اوکراین و ایران، مخاصمات مسلحانه بارها زیرساخت های فکری را که زندگی جمعی غیرنظامیان به آنها وابسته است، هدف قرار داده اند. آنچه در چنین حملاتی نابود می شود، صرفاً دسترسی به آموزش نیست، بلکه ظرفیت جوامع برای تفکر، نوآوری، درمان، حکمرانی، یاد آوری و بازسازی خود پس از ویرانی است. این امر به ویژه از آن جهت اهمیت دارد که دانشگاه ها جایگاه منحصر به فردی در تمدن بشری دارند. آنها صرفاً نهاد های ملی در خدمت منافع محلی نیستند. دانش علمی، اکتشافات پزشکی، نوآوری های فناوری و آموخته های علمی انباشته شده، اغلب به بشریت به عنوان یک کل کمک می کنند. بنابراین، مؤسسات آکادمیک/ دانشگاهی بخشی از میراث فکری و فرهنگی مشترک بشریت را

^{۶۹} Mentorship structures

^{۷۰} Archival memory

^{۷۱} Political subjugation

تشکیل می دهند. نابودی آنها نه تنها یک کشور یا یک نسل، بلکه به طور بالقوه جامعه بشری گسترده تر و نسل های آینده را نیز فاقد نیرو می کند.

چه «اسکولاستیساید» در نهایت به یک مقوله مجزا در حقوق کیفری بین المللی تبدیل شود، چه به عنوان یک چارچوب تفسیری در دکترین های موجود حقوق بین الملل بشردوستانه ظهور کند، یا در درجه اول یک مفهوم تحلیلی باقی بماند، مشکل اساسی دیگر قابل چشم پوشی نیست. جنگ های معاصر به طور فزاینده ای بنیان های معرفتی اساس جامعه مدنی را تهدید می کند. بنابراین، تحلیل حقوقی باید فراتر از نگاه به حملات به دانشگاه ها به عنوان «حوادث منفرد» حرکت کند و در عوض با تخریب فزاینده حیات دانشگاهی به عنوان یک شکل ساختاری از آسیب مواجه شود. با نگاه از دریچه بی عدالتی معرفتی و خشونت معرفتی، چنین تخریبی نه تنها به مردم و زیرساخت ها، بلکه به شرایط لازم برای تولید، حفظ و انتقال دانش نیز آسیب می رساند.

در نتیجه، حفاظت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه مستلزم چیزی بیش از صرفاً حفاظت از بقای بیولوژیکی است. همچنین مستلزم حفاظت از نهاد هایی است که از طریق آنها دانش بشری، پیشرفت علمی، حافظه فرهنگی و بهبود اجتماعی امکان پذیر می شود. بنابراین، دفاع از دانشگاه ها در زمان جنگ صرفاً موضوع حفاظت از اموال یا آموزش نیست؛ بلکه در نهایت موضوع حفاظت از ظرفیت بشریت برای حفظ خود تمدن است.